

## اسلام و جوانان ما

«استاد احمد امین عراقی» از دانشمندان برجسته معاصر شیعه و از نویسندگان مشهور عراق، و دارای تألیفات و آثار و مقالات زیادی در پیرامون موضوعات مختلف اسلامی است، یکی از نوشته‌های متعدد و سودمند او کتاب «التکامل فی الاسلام» در ۵ جلد بزبان عربی است که همه مجلداتش مکرراً چاپ شده و جلد اول و دوم آن نیز بوسیله چند تن از جوانان فاضل حوزه علمیه قم ترجمه و بنام «راه تکامل» بطبع رسیده است.

آقای «احمد امین» در حال حاضر استاد ریاضیات «جامعة النجف» هستند و راجع بزندگان و فعالیتهای علمی قبلی ایشان میتوان بکتاب «آموزشگاه زندگی»، ترجمه آقای احمد آرام و مقدمه جلد اول کتاب «راه تکامل» مراجعه نمود.

آنچه در این مقاله میخوانید ترجمه فصلی از جلد چهارم کتاب «التکامل فی الاسلام» است؛ که نگارنده ارجمند در این قسمت زیر عنوان «کیف نجلب الشاب الی حظیرة الاسلام» علل جدائی جوانان را از اسلام شرح داده و راه جلوگیری از این رمیدگی فکری و عملی را بیان نموده است.

\* \* \*

همه میدانیم که بی‌تر جوانان امروزی ما از اسلام بیخبرند. جوانان بطور کلی در این عصر بر سه دسته‌اند: گروهی از آنانند که بمبادهای اسلام معتقدند، لیکن بجز عده کمی از آنان، دیگران نسبت بوظائف و فرائض اسلامی خود بی‌اعتناء و از اخلاق اجتماعی دینی بدورند. برخی دیگرند که بمقدسات و تعالیم اسلامی بچشم تمسخر و استهزاء مینگرند. و پاره‌ای از آنانهم خود دشمن اسلام و مبادی آنند.

این همه از آن رو و از آن سواست که اینک نزدیک به ۲۰۰ سال است صهیونیسیم؛ مسیحیت و استعمار همه با هم بپاخاسته اند، و با وسائل گوناگون از راه نفوذ در فرهنگ کشورهای اسلامی و تأسیس انجمنهایی برای جوانان میکوشند که جوانان را از عقائد پاک اسلامی بدوردارند، و اسلام را در انظار آنان بصورت یک دین و مسلک خرافی جلوه دهند که نمیتواند با سیر علم و ترقیات روز افزون پیش رود و خود سدی در راه تمدن و تجدد و بندگی بر پای ملل عقب افتاده شرق است که یا باید این بند را گسسته و این سد را بشکنند و یا همگی راه فناء و زوال در پیش گیرند. در نتیجه همین تبلیغات ضد اسلامی است که ماه ششاد درصد از جوانان خود را از دست دادیم، و پیوسته شاهد افزایش تعداد اینگونه جوانان هستیم. با آنکه میدانیم جوانان و زنه سنگینی در حیات اجتماعی همه توده ها بوده و مسئولیت حفظ و نگهداری اسلام و نشر پیام روح بخشش نیز بعهده همین نسل میباشد.

پس چه کنیم که این جوانان فریب خورده و اغفال شده را با غوش پر مهر اسلام باز گردانیم؟ و با آنان بفهمانیم که اسلام مکتبی جامع الاطراف و دینی است که میتواند جوابگوی تمام خواسته های اجتماعی و اقتصادی و قضایی و سیاسی و نظامی و علمی بشر باشد، و همگی احتیاجات او را در تمامی زمینه ها بر آورده سازد.

این است آنچه یزی که مبیایست همه متفکرین در باره آن بیندیشند و در پیرامون آن بتفکر آیند.

شکی نیست که نشریات دینی تا حدودی در جلو گیری از گمراهی نسل جوان و معرفی اسلام با آنان مؤثر است، لیکن کمتر کسی است که در تکاپو و جستجوی نشریات دینی باشد و در صدمطالعه آنها بر آید، و گذشته از آن مجلات رنگین و مخرب و مفسد اخلاق و فکر هم دیگر جایی برای اینگونه نشریات نگذاشته است. ناگفته پیداست که مبنای تدریس در دبستانها و دبیرستانها و دانشگاهها بر پایه شناخت آفریدگار جهان بعنوان یگانه مؤثر در عالم هستی و نسبت دادن تمام نظامات و قوانین جهان آفرینش با او بنا نشده است، بلکه بر زبانها چنین جاری است «اینکار از اعمال طبیعت است»، «طبیعت است که چنین کرده»، و از این قبیل (۱)...

(۱) و از همین قسم است «خشم طبیعت است» و «قهر طبیعت است» در مورد زلزله و سیل

و بر همین قیاس میباشد نظام آن ۱۱ متر جم

لذا دانش آموزان در کنگرایی و یگانگی خداوند با زمانه ؛ اموری بجز او را در آفرینش مؤثر میدانند ؛ و گاهی کارش بالحدامیا نجامد و از راه راست بدور میافتند (۱) .

... و این واقعیت تلخی است که ما امروز آنرا در نسل جوان احساس میکنیم آیا برای جلوگیری از آن باید بپند و اندرز اکتفا کرد و بس ۱۹ تازه کیست که روح جوان را درک کرده باشد تا بتواند بزبان او صحبت کند؟ و در کجا ۱۹ و تازه برای گرد آوردن آنها چه کنیم و چه راهی داریم ۱۹

روی این زمینه ، اسلوب و روش دعوت و تبلیغ ما لازم است و حتما باید بر طبق مقتضیات زمان تغییر کلی و اساسی یابد ، البته بشرط آنکه با مقررات شرع منافات نداشته باشد .

### کتابخانه مدرسه بیخیه قم

باید آن مسلمانانی که وضع تأسف آورکنونی را می بینند تا امکان جلوگیری هست بپاخیزند ، و در جهت ممال و جان بکوشند ، دست بتأسیس انجمنهایی برای جوانان زنند ، و افرادی را که بدین و تقوی و علم و فضیلت آنها ایمان دارند بررأس این انجمنها بگمارند ، تا برای تربیت جوانان در اوقات فراغت ایشان ، مناهج و مبانی صحیح اسلامی را تشریح و تجزیه و تحلیل کنند .

این انجمنها «مدارس اسلامی» هستند که جوانان بارو شهای صحیح علی بسوی آنها جلب و جذب میشوند ؛ این انجمنها باید دارای سالن سخنرانی ، محلی برای اقامه فرائض مذهبی ، کتابخانه اسلامی و زمین ورزش باشند . باید کلاسهای برای دروس دینی ؛ اخلاق ، تفسیر و تاریخ اسلام دائر نمایند ، و همچنین امتحاناتی از جوانان بعمل آورند که مقدار اهلیت و شایستگی آنان را برای قیام بوظیفه تبلیغ و دعوت اسلامی اندازه گیری و تعیین نماید .

روی این حساب این انجمنها یا «مدارس» اسلامی باید دارای روش و برنامه منظم و مستقلمی باشند ، وساعاتی برای کار و فعالیتهای گوناگون خود معین سازند و در عرض این فعالیتهای دینی بتعلیم باره ای از علوم و صنایع همت گمارند که کمک

(۱) یکی از دانشمندان طبیعی بیست سال از عمر خود را صرف نمود تا کیفیت

زندگانی مورچگان را بتفصیل بدست آورد ؛ آیا بجا نبود که دقایقی از عمر راهم

برای شناختن آفریننده مورچه بگذرانند ۱۹

ویاوری برای مبشر اسلامی در اوقات ضرورت بوده باشد .

جوانان دارای قوا و نیروهائی هستند که باید در راههای طبیعی خود بکار افتاده شود ، پس بر ماست که از این نیروها استفاده کنیم و آنها را در راه پرورش فکری خود جوانان بکار اندازیم .

جوان دوست دارد که کار کند ، از کار خود نتیجه گیری نماید ، بتحرك و فعالیت علاقه وافری دارد ، لذا این انجمنها باید خواستههای طبیعی و درونی جوانان را در نظر گیرد و در راه تحقق آرزوهای آنان گام بردارد ، این موضوع را با یسمنی با تقسیم کارهای انجمن و سپردن آنها بدست خود جوانان انجام داد مثلا: سرپرستی کتابخانه ، اجرای برنامههای عملی ، انجام سخنرانیهای برای جوانان ، تنظیم مسابقات ورزشی مشروع ؛ عملیات صنعتی و تکنیکی دیگر که مجالی برای تضييع اوقات فراغت و بیکاری جوانان در جنبههای مضرو کارها ئیکه دارای زبان دینی و دنیوی هستند باقی نگذارد . کتابخانه مدرسه فضیله نم

من خود در حدود چهار سال قبل در استان بول شاهد فعالیتهای انجمنی بودم که بوسیله کشیشان آمریکائی تأسیس یافته بود . این انجمن وابسته بجمعیت جوانان مسیحی ( j. m. c a ) بود . در سالن بزرگ آن قطعهای پر دیوار آویخته دیدم که بر آن سوره « فاتحة الكتاب » نوشته شده بود ؛ و پهلو ی آن قطعهای دیگر که عباراتی از انجیل متداول بر آن مکتوب بود بچشم میخورد .

این انجمن هر هفته ساعاتی چند بر نامه مباحثات و سخنرانیهای مذهبی داشت و تابستانها جوانان را بکنار دریا میبرد و با بر نامه منظم بمسیحی کردن آنان میپرداخت .

آقای محمد مهدی آصفی در کتاب « من حدیث الدعوة و الدعاء » مینویسد :

« در طهران از طرف دکتر جهان آلدور رئیس مسیون تبشیری مسیحی در ایران بکلیسای انجیل دعوت شدم تا با هم در پیراهن اسلام و مسیحیت گفتگو کنیم در کاپیتان از شاهده سرعت پیشروی مسیحیت و پشتکار و علاقه فوق العاده مسیحیها در نشر « پیام انجیل » و وحشت افتادم و موضوعیکه ، را بیش از هر چیز دیگر اندوهناک و غمگین ساخت این بود که دیدم گروهی از جوانان مسلمان برای پیشرفت مسیحیت فعالیت میکنند ، هنگامیکه یکدیگر را بنام میخوانند ناسامی بدین طریق و از این قبیل بود : مصطفی ، محمد ، حسن ،

علی؛ از چگونگی قضیه پرسیدم، گفتند: «ما از مسلمانانی هستیم که پیام انجیل را شنیدیم و پذیرفتیم و مسیحی شده ایم (۱)».

از اطلاعات و معلومات آنان درباره اسلام سؤال کردم، جواب منفی بود. آنان کوچکترین علاقه‌ای بخواندن قرآن نداشتند، باینکه میدانم عبارات بسیاری از عهد جدید و عهد قدیم «تورات و انجیل»، را که کتاب مقدس مینامند از حفظ داشتند.

آقای آصفی میگوید: «مسیحیت در تبلیغ و تبشیر مذهبی خود بیش از هر چیز از روشهای روانی استفاده میکند، و قبل از آنکه عقل و خرد جوان را تحت سیطره خویش درآورد با احساسات و عواطف او بازی میکند. معمولاً عبادت ادر کلیسا در فضائی انجام می‌یابد که نغمه موسیقی و سروده‌های مذهبی مخلوط با ساز و آواز در فضا طنین انداز است، با سرود که نوعی از شعر بسیار دقیق است احساسات و افکار و مغز حاضرین را بی‌بازی میگیرند و راه اندیشه و عقل را بر آنها فرومی‌بندند البته راههای فریب دادن کلیسا منحصر باینها نیست و برای اغفال نسل جوان از موضوعات دیگری نیز استفاده میشود، پس مسلمان گناهکاری که غسل تعمید میکند و پیش کشیش اعتراف بگناهان میکند؛ پروردگار همگی گناهان پیشینش را باو باز خواهد داد! در کلیسا اقسام تزویرات و خدعه‌ها فراوانست».

شکی نیست که مسیونهای مذهبی مسیحی مدتهای زیادیست در راه نشر مسیحیت و جبهه همت خود را تاسیس و افتتاح دبستانها و دبیرستانها و چاپ و پخش نشریاتی با کاغذ خوب و طبع عالی برای کودکان و جوانان و دیگران قرار داده اند.

اما تبشیر مسیحی در کشورهای آفریقا با مقیاس بسیار پهناوری جریان دارد در آنجا تا وقتی مستعمره هستند عده‌ای از کشیشان با تعلیمات خاصی که ویژه مستعمراتست برای ترویج مسیحیت میکوشند، آنان در آغاز بتاسیس دبستانها و دبیرستانها پرداخته و آنگاه چاپخانه آورده و بوسیله آن نشریات خود را طبع و توزیع میکنند.

(۱) معلوم نیست این مطلب تا چه اندازه واقعیت دارد! و شاید آن جوانان برای استفاده مادی و رسیدن بشهوات نفسانی تظاهر به مسیحیت نموده باشند. (نشریه)

در گیرودار مبارزات آزادی بخش و ضد استعماری، این عده میر و نود و دسته‌ای دیگر با تعلیمات خاص ملل در حال مبارزه وارد میشوند و بالاخره وقتی آن کشور بکلی آزاد شد و استقلال خود را بدست آورد اینسان هم میر و نود و یک گروه دیگر از حضرات جانشین آنها میشوند و هکذا... ولیکن با وجود تمام این تلاشها، آفریقایها با اسلام بیش از هر دین دیگری علاقه دارند و هر سال عده زیادی از آنها مسلمان میشوند چون اسلام را مذهبی شناخته‌اند که مبشر آزادی و استقلال و مخالف ذلت و استعمار است.

### «وَلِلَّهِ الْغَرَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ (۱)»

در یکی از مجلات (۲) خواندم که عده زیادی از جوانان مسلمان دروین پایتخت اطریش از مراجع دینی خواهش کرده‌اند که مبلغ مذهبی برای تعلیم مبادی اسلام بانجا اعزام دارند.

و در ژنو دسویس هم مرکزی اسلامی بنام (Islamic center) برای بخش تعلیمات اسلام و همکاری و اتصال با جمعیت‌های اسلامی در سراسر جهان تأسیس یافته است.

و در هند جمعیت‌های اسلامی مهمی تأسیس یافته‌اند که برای نشر اسلام در گوشه و کنار جهان فعالیت میکنند و نشریاتی بزبانهای مختلف منتشر مینمایند. و از آنسو با ماهائی از ژاپن میرسد که خواستار ارسال مبلغی است که مردم را بسوی اسلام بخوانند.

اما آفریقا، در حال کنونی مستعدترین مکان برای قبول اسلام است زیرا عده مسلمین آفریقا در هر سال ۵۰۰۰۰ نفر افزایش می‌یابد. در کنگوی آفریقا در اوائل قرن بیستم فقط چهار هزار نفر مسلمان وجود داشت و امروز تعداد آنان به ۲۳۶۰۰۰ نفر رسیده است (۱) لومومبار هبر فقید کنگو باسلام علاقمند بود و میگفت: «من تعجب میکنم از اینکه مسیحیان در دستاها بامیاً موزند که بتشکیلات

(۱) سوره مناققین آیه ۸ «عزت خاص خدا و پیامبر او و مؤمنین است»

(۲) ظاهر مقصود جله مکتب اسلام سال چهارم شماره ۱۲ است - مترجم .

(۱) اینک در حال حاضر - طبق بعضی از آمارها - شماره مسلمین کنگو به پنج

میلیون و سیصد و هفتاد هزار (۵۳۷۰۰۰۰) نفر رسیده است - مترجم

مسیحیت احترام گذاریم و میگویند باید محبت و دوستی بین افراد بشر برقرار شود، لیکن خود بر خلاف گفته خویش عمل میکنند و اصول انسانیت را در زیر پایهای خود لگدمال مینمایند و آنچه در دستا نهها بمامیآموزند با معامله ای که با ماسپاهان میکنند صد درصد مخالفت دارد.

در آمریکا هم برای شبیت پایه های اسلام زمینه مناسبی وجود دارد. پس اسلام دین فطرت است، دین عقل و منطق است، افکار عمومی از آن با کمال میل استقبال میکند، روی این جهت است که می بینیم در استرالیا بوسیله شترچرانان نشر یافت و این بدان طریق بود که اهالی آنس زمین بعلمت دوری شهرها از یکدیگر احتیاج بوسیله نقلیه داشتند، لذا از افغانستان تعدادی شتر وارد کردند و به همراهی شترها صاحبان و شتر بانان نیز قدم با استرالیا نهادند، این شتر بانان با آنکه از عوام - الناس و مردم عادی بودند. دین اسلام را در آن نواحی منتشر ساختند مسلمین در استرالیا مساجد مهمی بنا نهادند که در آنها اقامه قرائض نموده و تلاوت کتاب - الله میکردند.

جوانان ما باید باین نکته توجه داشته باشند که غرب دست از دین خود نخواهد کشید و با وسائل مختلف با اسلام خواهد جنگید، در آمریکا ۲۰۰۰ ساله ۲۱۲۰۰ مبلغ مسیحی موجود است، و ده ها هزار کلیسا و دیر و مؤسسات تبلیغی و تبشیری و ملحقاتش از قبیل بیمارستانها و مؤسسات دیگر مسیحی وجود دارد دولت آمریکا میلیونها دلار، در راه پیشروی مسیحیت خرج میکند؛ و کلیسا در آنجا قدرت فراوانی دارد. کتاب مقدس مسیحیان (انجیل متداول) تا کنون به ۶۳ زبان ترجمه شده است (۱).

داین گوشه ای از پیشرفت و وضع تبلیغی کنونی مسیحیت است.

پس بجاست که جوانان مادر راه خداوند از پای ننشینند و برای نشر اسلام در اطراف و اکناف زمین، در هر کجا که رفتند، با جدیت فعالیت کنند؛ و برای این موضوع باید قبل از اسلام را آنطور که هست و بطور کامل بشناسند و قرآن کریم را بخوبی فراگیرند و علم حدیث و مقدماتی از فقه را بیاموزند. این راه چاره دردهای موجود جهان و همچنین موجب رستگاری و نجات خود آنان است. و در نزد خداوند

(بقیه در صفحه ۳۷)

(۱) ظاهراً انجیل تا کنون به بیش از هزار زبان ترجمه شده است - مترجم

چشم نیرومند تر است می بینیم که حس بینی ناتوان تر است ، تا آنجا که ممکن است در آتیه تحول سبب شود که حس بوئیدن بکلی از بین رود ؛ و برعکس حس چشم قویتر گردد ، همانگونه که پیش از این درباره انسان آتیه بیان شد ( شماره ۶ ص ۳۸ از همین سال ) .

مسلمان -- این حرف را چگونه میزنید ؟ مگر دلیلی هم دارید ؟  
داروین -- این ، نظریه ایست که من اختراع نموده ام ، میخواهد کسی آنرا بپذیرد ، یا نه .

مسلمان -- خوب آیا این تخصیص حواس چگونه پدید آمد ؟ آیا دانای باشعوری این تصرف را در حواس انسان انجام داد ، یا فردی نادان ؟  
و آن دانای حکیم که این عمل را انجام داد چه کسی بود ؟  
داروین -- فکر خواهم نمود .

پایان

(بقیه از صفحه ۳۰)

آنرا پاداشی بزرگ خواهد بود .

«ومن احسن قولاً ممن دعا الى الله وعمل صالحاً وقال اننى من

المسلمين» (۱)

(۱) سوره حم سجده آیه ۲۳ و کیست که گزار او بهتر باشد از آنکه بسوی

خدا دعوت کند و عمل شایسته انجام دهد و گوید من مسلمانم .